

جستاری بر سر آغاز رمان‌نویسی در ادبیات اردو

وفا یزدان‌منش*

استادیار زبان و ادبیات اردو، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۲۱، تاریخ تصویب: ۹۲/۹/۲۰)

چکیده

در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، واقع‌گرایی جایگزین داستان‌های تخیلی در ادبیات اردو شد. خردگرایی نهضت علی‌گر و هدفمندیش برای اصلاح، منجر به تحول ادبیات داستانی شد. نذیراحمد و عبدالحلیم شرر، دو نویسنده پیشتاز این نهضت، از پیشگامان رمان‌پرداز اردو به شمار می‌روند. پنداشت‌های آیینی و کاربست‌پنداری آن در رمان‌هایشان نمایان است. آن‌ها برای نخستین بار به نقش زن در خانواده و جامعه می‌پردازند. نذیراحمد، دلزده از غرب، عواقب غربزدگی را هشدار می‌دهد؛ فریبکاری خرافات و باورهای غلط دینی را نفی می‌کند. شرر با رمان‌های تاریخی، اسطوره‌های اسلامی را به عنوان الگو معرفی می‌کند و از فریبکاری فرقه‌های ساختگی می‌گوید. رتن نات سرشار، فردی هندو، به خوبی با آداب و رسوم مسلمان‌ها آشناست و زندگی و باورهای آن‌ها را در قالب تلفیقی رمان و داستان با جزئیات‌نگاری وصف می‌کند. در این مقاله سعی بر آن است تا به تأثرات برگرفته از فرهنگ اروپا در آثار سه رمان‌نویس پرداخته شود؛ زیرا تنوع در آثار آن‌ها منجر به غنی شدن خشت بنای رمان در ادبیات اردو شده است.

واژه‌های کلیدی: رمان، نذیراحمد، شرر، سرشار، شخصیت، فن.

مقدمه

در ادبیات داستانی اردو، صرف نظر از حکایت‌های تمثیلی پیش از قرن هیجدهم میلادی که درونمایه اخلاقی و مذهبی داشت، نخستین شکل قصه در قالب داستان‌های افسانه‌ای و تخیلی یافت می‌شوند. بسیاری از این قصه‌های آغازین، ترجمه یا برگرفته از حکایت‌های شهره فارسی می‌بود؛ مانند سب رس (۱۶۳۵م) ملاوچه‌ی و یا نوطرز مرصع (۱۷۸۹) محمدحسین عطاخان تحسین. از همان آغاز سده نوزدهم میلادی، کالج فورت ویلیام برای آموزش زبان اردو به افسران انگلیسی، برخی از نویسندگان هندی را به ترجمه آزاد داستان‌های فارسی و گاهی هندی به اردو واداشت. این روند ناخواسته، باعث شکل‌گیری نثر ادبی منسجم اردو و پایه‌گذاری داستان‌نویسی اردو شد.

با گذشت زمان، با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی شبه قاره هند، تغییر بافت فکری، آرمان‌ها و نیازهای عمومی و آشنایی اهل قلم با متون و ادبیات اروپا و نیز افزایش توانمندی زبان اردو برای به‌کارگیری گونه‌های متفاوت ادبی، شاهد تحول تدریجی روند ادبیات داستانی این زبانیم. نمونه آشکار آن قصه مشهور «فسانه عجایب» (۱۸۲۴) از رجب‌علی بیگ سرور است که هر چند دربردارنده عناصر فرامینی و مبالغه در معرفی قهرمان‌هاست؛ اما منتقدان، اثر وی را فراتر از داستان‌های تخیلی دانسته‌اند. از همین جاست که گرایش به قالب‌های نو با درونمایه‌های متفاوت، به ویژه میل به واقع‌گرایی به چشم می‌خورد که بعدها، در روندی درازمدت، به پدیداری رمان ختم شد. اگرچه در ادبیات اردو فضای داستان‌های تخیلی و رمان به طور کامل با هم متفاوتند، ولی قصه‌هایی که در مرز زمانی داستان و رمان نوشته شدند؛ به علت نداشتن معیارهای لازم برای اطلاق عنوان رمان، در زمره رمان‌های اردو قرار نگرفتند. نمونه آن داستان‌هایی است که در مدارسی با نام نظام گروه بندی در مناطق روستایی استان غربی شبه قاره هند که تحت نظارت انگلیسی‌ها تأسیس شده بود، نوشته شدند از جمله دهرم سنگه‌کا قصه «قصه درم سینگ» (آگرا، ۱۸۵۱)؛ سورج پور کی کهانی «داستان سورج پور» (آگرا، ۱۸۵۲). (پریا تابیتا ۵۲) و نمونه‌های دیگر تلفیق داستان و رمان اردو عبارتند از: جواهر الاصل (اله‌آباد ۱۸۵۶) از عزیزالدین؛ خط تقدیر (لاهور ۱۸۶۲) از مولوی کریم الدین؛ مرآة النساء (۱۸۶۳) از وزیر علی کورکپوری.

در زبان اردو برای واژه رمان، «ناول» به کار می‌رود، این درحالی‌ست که واژه رمان نیز به معنای دیگری در این زبان کاربرد دارد: «واژه رمان در اردو به تنوع حسن و عشق اطلاق می‌شود؛ در ادب داستانی رمان بر قصه‌هایی اطلاق می‌شود که به حسن و بیانی پرتکلف آراسته شده باشد و اتفاق‌های آن غیرواقعی باشد. در صورتی که ناول اتفاق‌های روزمره زندگی را اعم

از سرور و غم دربردارد و قصه‌ای به شکل نثر ساده است» (صدیقی ۷۴، ۷۵، ۸۱). البته گاهی «در ادبیات اردو رمان را از ناول نمی‌توان به طور کامل جدا دانست. زیرا بیشتر ناول‌های اردو دارای ویژگی‌های رمانند^۱» (حسینی ۶۳، ۶۰-۶۴).

در نیمه دوم قرن نوزدهم، تغییر نثر و ادبیات داستانی شتاب بیشتری یافت. داستان‌ها از قصه‌گویی فاصله بیشتری گرفتند، نذیر احمد دهلوی؛ عبدالحلیم شرر و رتن نات سرشار پیشگامان رمان‌نویسی در اردویند. در این جستار بدون مرزبندی واژه‌های «رمان» و «ناول» در اردو، آن نوشتارهایی را که در حیطه «ناول» اردو قرار گرفته‌اند به عنوان رمان معرفی و بررسی خواهند شد.

بحث و بررسی

پس از قیام سراسری مسلمان‌های شبه‌قاره هند در سال ۱۸۵۷م با تدابیر انگلیسی‌ها، محرومیت مسلمان‌ها از اشتغال به‌کار، اختلافات مسلمانان و هندوها، مسئله نژادپرستی انگلیسی‌ها، عواقب امتیازهای نژادی در شبه‌قاره متداول شد. زیرکی و توطئه انگلیسی‌ها به بیداری مردم شبه‌قاره بخصوص روشنفکرها ختم شد. از این‌رو این جریان افزون بر انقلاب سیاسی، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را نیز دگرگون کرد. تحت تأثیر ترویج آیین مسیحیت و سعی آن‌ها برای بد جلوه دادن دین اسلام فاصله بین مسلمان‌ها و انگلیسی‌ها بیشتر شد. از طرفی دارالترجمه فوریت ویلیام کالج منحل شد و زبان انگلیسی در کالج و مدارس رایج شد. در این صورت می‌توان ادعان داشت که «اگرچه واژه رمان و قالب آن توسط ادبیات انگلیسی وارد هندوستان شد ولی در حقیقت شرایط ویژه شبه‌قاره هند نویسندگان آن پهنه را به طرف رمان‌نویسی جلب کرد. در ادبیات اردو، شروع ناول‌نویسی نشانه تحولات مهم اجتماعی است» (سرمست ۲۶).

نهضت علی‌گر که بانی آن سرسید احمدخان (متوفی ۱۸۹۸) بود، به منظور اصلاح مسلمان‌های شبه‌قاره، ادبیات را برای نیل به اهداف خود انتخاب کرده و واقع‌گرایی را بنیاد تفکر و قلم خود قرار داد. مولوی نذیراحمد و عبدالحلیم شرر از اعضای این نهضت بودند که رمان‌نویسی را به عنوان ابزار اصلاح برگزیدند.

۱- ناول خوانش اردوی نوول است، با این یادآوری که میان نوول و رمان تفاوت‌هایی چند است که از همه مهمتر گره داستانی است که در رمان چندین گره وجود دارد؛ اما در نوول، یک گره وجود دارد. دیگر تفاوت زمان است که در نوول مدت زمان رخداد کوتاه است، اما در رمان نه! سه دیگر شخصیت‌هاست که شمار آن‌ها و زمان بر نوول فزونی دارد و....

مولوی نذیراحمد

مولوی نذیر احمد، در سال ۱۲۵۲ق/ ۱۸۳۱م به دنیا آمد. تحصیلات عالی را در کالج دهلی گذراند. عربی، فارسی و انگلیسی را فراگرفت. در سال ۱۸۹۷م. عنوان شمس‌العلماء را دریافت کرد. از دانشگاه ایدنبرو Edinbro مدرک افتخاری دکترای حقوق را دریافت کرد. در سال ۱۹۱۲م. در دهلی درگذشت. تفکر و شخصیت علمی نذیراحمد در دلی کالج و نهضت علی‌گره شکل گرفته بود. وی با سرسید در یک محور فکری، یعنی اصلاح ملت و بر خلق ادبیات سازنده، انقلاب فرهنگی و بهبود کیفیت جامعه هماهنگ بوده‌است. برخی تالیفات اعم از ادبی و غیر ادبی وی بدین شرح است:

دین و اخلاق: ترجمه قرآن، ادعیه القرآن، امهات الامه^۱، اجتهاد، موعظه حسنه. تعزیرات هند، دستور: رسم الخط، صرف صغیر، ما یغنیک فی الصرف. ترجمه‌های نذیر احمد در زمینه حقوق اسلامی اهمیت بسزایی دارند. آوازه وی به سبب رمان‌نویسی است. تأکید زیاد وی بر توجه به تربیت دینی و اجرای احکام آن در حالی بود که دروس دینی از برنامه کلاسی مدارس حذف شده بودند.

معرفی رمان‌های نذیراحمد

بیشتر منتقدان نذیراحمد را اولین رمان‌نویس در تاریخ ادبیات اردو شناخته‌اند. وی اولین نویسنده‌ای بود که داستان را براساس واقع‌گرایی استوار کرد و اولین گام خود را در این میدان با هدف آموزش زنان با تألیف *مرآة العروس* (۱۸۶۹) برداشت: «همان چند صفحه اول مرآة العروس رمان‌نویسی در اردو را پایه‌گذاری کرده است» (جالبی، ج ۴، ۱۱۴۴).

نذیر احمد در *مرآة العروس* با قیاس زندگی دو خواهر به نام‌های اکبری و اصغری به دختران خانه‌داری را آموزش می‌دهد. اکبری دختری بی‌سلیقه و نادان است و برعکس وی اصغری باسلیقه است و با تدابیر خود خانواده‌اش را اداره می‌کند. آن‌ها با دو برادر به نام‌های عاقل و کامل ازدواج می‌کنند. اصغری همسر خود محمدکامل را که گرفتار فساد اخلاقی بود با عقل و تدبیر به زندگی سالم باز می‌گرداند. به نظر می‌رسد نذیراحمد خود را در قالب پدر اکبری و اصغری قرار داده و روش موعظه را پیش می‌گیرد. مشهور است که نذیراحمد این رمان را برای آموزش امورخانه‌داری به دخترانش نوشت و آن را جهیزیه آن‌ها کرد.

۱- در سال ۱۹۰۸ نذیراحمد آن را در جواب امهات المومنین احمد شاه، مبلغ و کشیش دین مسیحیت نوشت. احمد شاه در کتاب خود در بیان تعدد ازدواج پیامبر اسلام حرف‌هایی ناروا زده است.

بنات النعش (۱۸۷۲) به دنبال قصه *مرآة العروس* نوشته شده است. اصغری به منظور اصلاح و آموزش زنان، مکتبی راه می‌اندازد. در *بنات النعش* نویسنده اطلاعاتی را در زمینه‌های مختلف مانند تاریخ، جغرافی، نجوم، مرتاضی و بهداشت جسم و روان در اختیار خواننده قرار می‌دهد. *تویة النصوص* (۱۸۷۷) داستان مردی به نام نصوص است که بدون توجه به احکام دین اسلام فرزندان خود را تربیت کرده است؛ ولی در طی دوره نفاقت بیماری، خوابزده می‌شود و پس از آن سعی بر جبران گذشته و مسئولیت در قبال تربیت فرزندانش دارد. محور اصلی این داستان، تأکید بر رشد فکری فرزندان و آموزش صحیح دینی و اخلاقی توسط والدین است. در *فسانة مبتلا* (۱۸۸۵) به مقوله تعدد ازدواج مردها و مشکلات آن می‌پردازد. قهرمان رمان، یعنی مبتلا تک پسرخوانده‌ای مرفه در دهلی است. وی در کودکی پدرش را از دست می‌دهد و در محیط زنانه پرورش می‌یابد. به علت تربیت نادرست، فردی مغرور و عیاش شده و با ازدواج دومش دچار معضلاتی می‌شود. *ابن الوقت* (۱۸۸۸) رمان ماندگار در ادبیات اردو، داستان مردی است که از خاندان متمول و وابسته به دربار پادشاهی است. وی در کالج دلی درس خوانده است. در آشوب ۱۸۵۷ تحت نفوذ یک انگلیسی به نام نوبل، صاحب زمین و منصب‌های دولتی می‌شود. وی تحت تأثیر شیوه‌های غرب قرار گرفته و به تدریج از فرهنگ و عقیده اسلامی فاصله می‌گیرد. در پایان، نویسنده *ابن الوقت* را رانده شده از سوی دستگاه انگلیسی و سرخورده و بی‌احترام نزد مردم نشان می‌دهد. *ابن الوقت* توسط حجت‌الاسلام دوباره به راه راست هدایت می‌شود. بسیاری از منتقدان به علت تشابه زندگی و طرز فکر شخصیت اول رمان، *ابن الوقت* را سرسید احمدخان گفته‌اند: «به ناچار باید بپذیریم شخصیت *ابن الوقت* همان سرسید احمدخان است و محتوی رمان تصویری از اتفاق نظر و اختلاف نظر بین سرسید و نذیراحمد در نظریه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی است (بخاری ۶۷، ۶۹). نذیراحمد در پاسخ اعتراض سید محمد پسر سید احمد خان در انتخاب این شخصیت می‌گوید: من فقط مقلدان فرهنگ انگلیس را محکوم کرده‌ام. حالا هر کس می‌تواند مخاطب را خود بداند (محمدیحی، ج ۲، ۳۲۸).

در واقع هدف *ابن الوقت*، آگاه کردن طبقه روشنفکر مسلمان بعد از ۱۸۵۷ است که پس از آموزش و آشنایی با علوم و فرهنگ اروپایی تولد می‌یابد. به دنبال هدف اصلی نهضت علی‌گر، یعنی اصلاح مردم، نذیراحمد نقش‌آفرینی می‌کند و تجملات را مغایر با منافع ملی و مذهبی می‌داند. نذیراحمد فضای مقارن با افول فرهنگی و سیاسی شبه قاره را در اثر نفوذ انگلیسی‌ها ترسیم می‌کند.

ایامی (۱۸۹۱) عنوان رمان دیگر نذیر احمد است که در آن اولین بار ضمن ارائه تصویری

اسفناک از زندگی زنان بیوه، به ازدواج آن‌ها تأکید شده است. نذیراحمد در این رمان احساس و روحیه زنی بیوه را بیان می‌کند. چه بسا منتقدانی رویکرد وی را گاهی روان‌شناختی گفته‌اند. «در شبهه قاره هند، تحت تأثیر فرهنگ هندوها، بین مسلمانان ازدواج زنان بیوه ناپسند بوده است. در ایامی، نذیراحمد با استناد به قرآن مجید، سعی بر اصلاح این فرهنگ غلط دارد» (جالبی، ج ۴، ۱۱۵۷).

در رؤیای صادقه (۱۸۹۲)، عواقب آموزش جدید، به طریق غربی، گوشزد می‌شود. صادقه دختر با استدلال اسلام مسائل را تجزیه و تحلیل و باورهای خرافی را رد می‌کند. به نظر می‌رسد نذیر احمد در این رمان کمبودهای آموزش و تربیت در کالج علی‌گر را بازگو می‌کند.

موضوع‌های محوری در رمان‌های نذیراحمد

پیشینه رمان‌های نذیر احمد وقایع مختلف جامعه قرن نوزدهم است که با بیان و تجزیه آن‌ها سعی بر اصلاح کوفته‌فکری و کمبودهای فضای جامعه اسلامی خود دارد. وی در رمان‌هایش به آموزش مسائل اخلاقی و مذهبی می‌پردازد و طبق تفکر اسلامی و منطق خود پند و نصیحت را پیش می‌گیرد. «نذیراحمد تحت تأثیر نهضت علی‌گر عقل‌گراست ولی روش عارفانه نیز دارد و ایمان و تقوی خود را محور اصلی عملکرد خود قرار می‌دهد» (انیس ناگی، ۱۱۰).

نذیراحمد، در رمان‌هایش سفر دنیوی را ختم به خیر می‌کند. در *مرآة العروس* برای اساس تربیت خانواده تأکید بر آموزش دینی زنان دارد و در *توبة النوح* تأکید او بر تربیت از همان سرآغاز کودکی و به جا آوردن حق‌الناس است؛ در *فسانه مبتلا* تأکید بر فلسفه تعدد زوجات در اسلام؛ در *ایامی اصلاح* طبقه تحصیل کرده مذهبی و حقوق زنان بیوه است، در *ابن الوقت* عواقب غرب‌زدگی را مطرح می‌کند.

نذیراحمد، قصه‌هایش را با تصاویر عصر خود می‌آراست، به گونه‌ای که آمیختگی افق دید اسلامی و مسائل زندگی در آن‌ها بارز است. «تبحر نذیراحمد در این بود که وی در تمام قصه‌هایش تصویری واقعی از جامعه شبه قاره هند را ارائه می‌دهد. او عناصر غیرطبیعی را ترک کرده و زندگی افراد پیرامون خود و وضعیت آن‌ها را بیان می‌کند» (حسینی ۲۰۴). در کل در رمان‌های وی موضوعاتی مانند جامعه دهلی، آموزش دختران، آشنایی با امور خانه‌داری، آداب و رسوم ازدواج، ارتباط با اقوام، رابطه عروس و مادرشوهر، آداب زندگی، تأثیر و عواقب سوءجهل، برکت‌های علم، اوضاع سیاسی اجتماعی و تأثیر دستیابی علوم جدید بر اجتماع به قلم کشیده شده‌اند. برخی از قصه‌های او نیز چندان بی‌تأثیر از ادبیات نو غرب نبوده‌است، زیرا

بنات النعش وی را تأثیر گرفته از تاریخ سندفورد و مارتن *History of Sandford and Merton* از توماس دی *Thomas Day* و *توبه النصوص* را برگرفته از رمان *The Family Instructor* (ساختار خانواده) از دانیال دفو *Daniel Defoe* گفته اند (صادق ۴۱۵؛ جالبی، همان، ۱۱۵۱).

رمان‌های نذیراحمد بری از عشق به جنس مخالف و هرگونه بیان پیرامون مسائل عاطفی است. وی مخالف ادبیاتی است که این‌گونه مسائل را توصیف می‌کند زیرا «وی عشق را مکروه می‌داند؛ همچنین خود را فراتر از رمان‌نویس، معلم اخلاق می‌داند؛ رمان‌نویسی نزد وی تنها وسیله‌ای برای اصلاح جامعه است» (عبدالسلام ۱۸-۱۹). در برخی از رمان‌هایش به ویژه در *توبه النصوص* در رسیدن به هدف خود دچار افراط می‌شود؛ علاقه کلیم به مطالعه شعر و نثر فارسی و اردوی کلاسیک را ضعف بزرگی قلمداد می‌کند و کتابخانه وی را به آتش می‌کشد زیرا کتاب‌های آن را خلاف موازین اسلامی می‌پندارد. شاید دلیل گریزش از مسائل عاطفی این باشد که «سرسید و همراهانش عشق را شری می‌دانستند که باعث نابودی فرهنگ مغول و ادبیات در شبه قاره هند شده بودند» (جالبی، همان، ۱۱۷۲).

برخی منتقدان قصه‌های نذیراحمد را فاقد ویژگی‌های رمان می‌دانند؛ ولی هیچ یک بنیان‌گذاری رمان‌نویسی وی را تکذیب نکرده‌اند. «اگرچه قصه‌های نذیراحمد عناصر رمان جدید را ندارند و از لحاظ توازن در موضوع، آغاز جذاب، ارتقا، پایان منطقی، هماهنگی هنر و مقصد، یک‌دستی بیان و موضوع، آمیختگی متناسب احساس مصنف و محیط بیرون دارای ضعف است ولی بدون شک نذیراحمد رمان‌نویسی را در اردو پایه‌گذاری کرد» (وقار عظیم ۶۲). برخی از رمان‌هایش به زبان انگلیسی و دیگر زبان‌های شبه قاره هند ترجمه شدند. بعدها به تقلید از نذیراحمد، مولانا حالی *مجالس النساء*، شادعظیم آبادی *صورت الخیال*، هیته المقال و *حلیه الکمال* و نواب افضل‌الدین احمد *فسانه خورشید* را نوشتند.

شخصیت‌پردازی

بیشتر شخصیت‌های رمان‌های نذیراحمد پویا و جامع نیستند. اصغری، شخصیت زن مطلوب نذیراحمد است. نذیر احمد وی را به عنوان یک الگو به زنان جامعه خود معرفی می‌کند. ابن‌الوقت شخصیت کلیشه‌ای نداشته و تحول شخصیت اوست که موضوع رمان می‌شود؛ وی از ابتدا شیفته تاریخ است و اهل مطالعه و سیاحت؛ هم‌نشینی با نوبل شخصیت مذهبی وی را دچار تزلزل می‌کند که از شیوه غربی پیروی می‌کند. البته توصیف کامل و دقیق شخصیت‌ها از سوی نذیراحمد قابل تحسین است. شخصیت‌های زن برجسته رمان‌های

نذیراحمد و بیان رخدادها و امور مربوط به آن‌ها نیز قابل نقد و بررسی است. «وی اولین داستان‌سرایی است که بعد اجتماعی زن را به تصویر کشید و برای وی مسئولیت و وظایف اجتماعی تعیین می‌کند. وی مقام زن را از بعد اجتماعی موضوع رمان‌هایش قرار داد» (انیس ناگی ۸۶-۸۷).

بامسمی بودن نام قهرمان‌ها روشن‌گر خردگرایی مؤلف است که مؤید اوست. برای مثال در *ابن الوقت*: ابن‌الوقت سمبلی از غلامی انگلیس و فرصت طلب‌هاست، حجت الاسلام: مقید به احکام اسلام، مبلغ و عالم به زبان‌های عربی و فارسی، جان‌نثار: مستخدم نوبل که همیشه برای جان‌نثاری وی آماده است؛ دوراندیش در *مرآة العروس*، نصح در *توبة النصح*، میرتقی در *فسانه مبتلا*، آزادی بیگم در *ایامی و صادق* در *رؤیای صادق* از نمونه‌های دیگرند. گاهی نذیر احمد برای توضیح نظریات اسلامی خود در قالب شخصیت‌هایی چون حجت الاسلام در *ابن‌الوقت* و میرمتقی عمومی مبتلا در *فسانه مبتلا* ظاهر می‌شود. در اینجا هدف اصلاحی نذیراحمد بیش از پیش نمادینه می‌شود. برای نمونه خطاب حجت‌الاسلام به ابن‌الوقت:

«من حقیقت را می‌گویم و تو فرضیه را. این درست است که در عصر حاضر انسان صلاحیت خود را توسعه داده و درحال پیشرفت است. اگر تمام عمر خود را هم صرف دانش‌کنند؛ بازهم معلومات وی نسبی است. به‌خاطر بسیار که در اختراع و خلق فرق زیادی است» (نذیراحمد ۲۳۴).

ویژگی‌های فنی

شاخص زبانی در رمان‌های نذیراحمد، زبان روزمره و محاورهٔ دهلی، زبان زنانه به ویژه زنان بی‌سواد است. در نظر وی نوع و میزان سواد شخصیت تعیین‌کنندهٔ زبان است. «از سخنرانی‌های بلند قهرمان‌ها در رمان‌های نذیراحمد، می‌توان به اضطراب نویسنده برای تبلیغ عقاید وی پی‌برد. وی که از نگارش رمان برای اصلاح جامعهٔ خود و دین‌داری و خداپرستی استفاده کرده است؛ بیشتر از قصه‌گو، واعظ نمایان می‌شود» (سید عبدالله ۱۶۰، ۱۶۱). نذیراحمد را موجد مکالمه‌نویسی در نثر داستانی اردو می‌دانند. او واژه‌ها، عبارات و مثل‌های فارسی، عربی و گاهی انگلیسی را به کثرت استفاده کرده است؛ البته گاهی استفاده بی‌جا از محاوره‌ها، استفادهٔ بیش از اندازه از واژه‌های انگلیسی و به‌کارگیری واژه‌های رکبیک را از عیوب رمان‌های نذیراحمد برشمرده است (اعجاز حسین ۳۷۷).

استعاره، تشبیه، شوخی و مطایبه از دیگر ویژگی‌های اوست. «نذیراحمد علاقهٔ زیادی به مطایبه دارد. باوجود خطبه‌های بلندش، طنز بر داستان‌های وی احاطه دارد» (صادق ۴۱۳).

همین ویژگی، یکنواختی و خشک بودن متن را برطرف می‌کند؛ به طور کلی زبان نذیراحمد بر پنج صفت خلاصه می‌شود: «زبان ساده محاوره‌ای، زبان استدلالی، توضیحی، مطایبه و طنز» (جالبی، همان، ۱۱۷۷).

عبدالحمیم شرر

عبدالحمیم شرر در سال ۱۲۷۶ه.ق / ۱۸۶۰م در لکنو در خانواده‌ای با نفوذ در دربار اود به دنیا آمد. فارسی، عربی و علوم متداول آن زمان مانند ادبیات، حدیث و منطق را فراگرفت و در آن‌ها متبحر شد. از او جوانی گرایش به نثرنویسی و تاریخ پیدا کرد و با بخش‌خبر «اوده» اخبار همکاری می‌کرد. پس از آن برای نشریه‌هایی مثل «تهذیب الاخلاق» مقاله می‌نوشت. در مدت اقامت یک ساله خود در اروپا (سال ۱۸۹۵م)، زبان انگلیسی و فرانسه را فراگرفت. شرر در طول زندگی هشت نشریه از جمله «محشر»، «دلگداز»، «مهذب» و «اتحاد» را راه انداخت و حدود دویست کتاب نوشت. «شرر برای پیشرفت هندوستان بر اتحاد هندوها و مسلمان‌ها تأکید می‌کرد. نشریه «اتحاد» بیانگر همین اندیشه اوست. این اندیشه از سال ۱۹۰۴ به بعد در رمان‌هایش نیز دیده می‌شود» (یحیی، ج ۲، ۵۹۵-۵۹۶). تخلصش در شعر شرر بود. در سال ۱۹۲۶م درگذشت. وی از اعضای نهضت علی‌گر به شمار می‌رفت و همراه نذیراحمد جهت اصلاح در رمان‌نویسی کسب مهارت کرد. شرر در سال ۱۸۸۶م. رمان درگیش نندجی^۱ نوشته بنکم چندرجی را که محتوی تاریخی داشت از زبان بنگالی به زبان اردو ترجمه کرد. محمد شاکر بر این باور است که وی ناول‌های دیگر بنکم چندرجی را هم مطالعه کرده است و تحت تأثیر فکر و تکنیک آنها نیز قرار گرفته است (۲۳). او رمان‌های سروالتر اسکات^۲ Scott را مطالعه کرد و رمان طلسم *Talisman*^۳ اسکات عرق مذهبی شرر را برانگیخت و با این انگیزه رمان ملک العزیز ورجنا (۱۸۸۸) که اولین رمان تاریخی اردوست را نوشت. بیشتر منتقدان این رمان را در جواب رمان اسکات گفته‌اند. بعد از آن شرر بیش از ۳۰ رمان را در دو موضوع تاریخ و اجتماعی نوشت.

۱- موضوع این رمان که مرتبط به زمان اکبرشاه است؛ تصادم دو قوم راجپوت و پتان می باشد در ادبیات بنگالی شهرت بسزایی یافت

۲- اسکات در رومان های خود ابعاد مختلف زندگی را در تاریخ انگلستان ترسیم کرده است

۳- رمان اسکات درموضوع سومین جنگ صلیبی است که درحین پرداختن به اتفاقات آن ، به مسلمان ها اهانت و به ترویج آیین مسیحیت پرداخته است

معرفی رمان‌های شرر

ملک‌العزیز ورجنا: ملک‌العزیز نورالدین، پسر حاکم شام، سلطان صلاح‌الدین، رهبر ارتش مسلمان‌هاست که با ارتش انگلیسی‌ها مبارزه می‌کند. در طی مبارزاتش با ورجنا خواهرزاده شاه ریچارد آشنا می‌شود و ورجنا تحت تأثیر دلاوری‌های وی قرار گرفته مسلمان می‌شود و با هم ازدواج می‌کنند. محور اصلی داستان دلاوری‌های عزیز است. «این رمان به ظاهر داستان ملک‌العزیز و ورجنا است؛ اما درحقیقت داستان معرکه‌های مجاهدین اسلام و سورماهای مسیحی است» (شرر، ۱۹۶۴، مقدمه منگلوری ۲۲). شهرت ملک‌العزیز و ورجنا شرر را بر آن داشت که رمان‌های دیگر از نوع تاریخ بنویسد: حسن و انجلینا *hasan and Anjeleena* (۱۸۸۹) جریان جنگ ترک‌ها با روسیه در سال ۱۴۷۲ م. است. در جریان این جنگ حسن قهرمان ترکی و انجلینا شهزاده روسی که پدرش مسلمان و مادرش روسی است، به یکدیگر علاقمند می‌شوند. شیعه‌های ایرانی هم در این داستان ایفای نقش می‌کنند.

منصور موهنا (۱۸۹۰)؛ حکایت اوضاع خاندان انصاری در ایالت سند است. داستان از سال ۳۹۵ ق. با حمله محمود غزنوی به هندوستان شروع می‌شود. محور اصلی آن جنگ‌های محمود غزنوی با راجا اجمیری است. شرر این داستان را جهت مثبت جلوه دادن محمود غزنوی به رشته تحریر درآورده است. مسائل عاطفی چاشنی آن است. منصور موهنا تنها داستان برگرفته از تاریخ شبه قاره شرر است.

فلورا فلوریندا *Flora Florinda* (۱۸۹۶) در شهر تولدو اسپانیا، زمان حکومت مسلمان‌ها در قرن سوم هجری قمری جریان دارد. داستان مربوط به یک خانواده درباری مشهور است که پدر مسلمان و مادر مسیحی است. آن‌ها دو فرزند به نام‌های زیاد و زهره (فلورا) دارند. فلورا با سعی مادرش و کلیسا تحت تأثیر دین مسیحی درآمده که این باعث رنجیدگی زیاد می‌شود. در طی تلاش بر مسیحی کردن فلورا، وی و یولاجیس به عشق هم گرفتار می‌شوند و به فرانسه فرار می‌کنند. سرانجام فلورا به نیت ناپاک یولاجیس پی می‌برد و با دیدن بی‌حرمتی زنان، از دین مسیحی رویگردان می‌شود. زیاد به جست‌وجوی خواهرش برمی‌خیزد و نبرد با یولاجیس را آغاز می‌کند. فلورا دوباره مسلمان می‌شود. «در اصل تاریخ، فلورا به اتهام توهین به مقدسات اسلام، محکوم به مرگ می‌شود» (محمد شاکر ۵۱).

ایام عرب (۱۸۹۸) دارای دو بخش مرتبط است. بخش اول در بردارنده طرز زندگی و آداب فرهنگی و رزمی در دوران جاهلیت و توصیف اوضاع سیاسی و اجتماعی آن زمان است. در بخش دوم شرر به تلاش‌های بی‌وقفه پیامبر جهت بهبودی وضعیت اعراب می‌پردازد. در

این بخش شرر به شرحی کوتاه دربارهٔ ایران نیز می‌پردازد.

فردوس برین (۱۸۹۹) یکی از آثار ماندگار در رمان اردوست. داستان مربوط به فرقه باطنیه یا اسماعیلیه در سده‌های پنجم و ششم قمری است که به باور نویسندهٔ فردوس برین، سرکرده‌های این فرقه قصد فریب دادن نوجوانان و خدشه دار کردن شخصیت بزرگان دینی را داشتند. راهبرد جغرافیایی این رمان در ایران، از شهر آمل تا شهر قزوین است. قهرمانان داستان دو دل‌داده به نام‌های حسین (اهل آمل) و زمردند که از خانهٔ خود فرار کرده و تصمیم دارند بعد از به‌جا آوردن اعمال حج با هم ازدواج کنند. در دشت طالقان درحالی‌که زمرد به دنبال قبر برادرش موسی است، با مشاهدهٔ فضایی رویایی هردو بیهوش می‌شوند. حسین به هوش می‌آید، اما زمرد ناپدید شده است! حسین، در پی پیغامی کتبی از زمرد، به دیدار شیخ علی وجودی که از اعضای مهم باطنیه است، می‌رود. وی تحت تأثیر وجودی قرار گرفته و مرید وی می‌شود. با خوش‌بین شدن به وعدهٔ دیدار با زمرد؛ به دستور وجودی عموی خود مولانا نجم الدین نیشاپوری و سپس پیشوای وقت نصرین احمد را به قتل می‌رساند. با دریافت نامه‌ای از زمرد و به سفارش وی با همدستی بلغان خاتون و برادر وی هلاکوخان، به قلعهٔ الموت حمله کرده و فرقهٔ باطنیه را نابود می‌کند. در واقع فردوس برین، بهشت ساختگی باطنیه بوده که زمرد در آنجا زندانی بوده است. سه هدف در این ناول وجود دارد: برطرف کردن هرگونه سوء تفاهم دربارهٔ دین اسلام که مسبب آن فرقه‌های متعدد بوده‌اند؛ نشان دادن حقیقت وقایع تاریخی که مردم خلاف آن را شنیده بودند و افزودن چاشنی حکایات عشقی که تراوش قوهٔ تخیل شرر بوده است. «با نوشتن فردوس برین، شرر بهترین الگوی قالب رمان را به رمان‌نویس‌های قرن بیستم ارائه داد» (یوسف سرمست ۱۲۰).

مقدس نازنین (۱۹۰۰ء)، در فضای دین مسیحیت در اروپا جریان دارد. رینگنیس و هانری دو مسیحی پاک سرشت‌اند که همدیگر را در خفا دوست دارند. پدر لزازس کشیش فرانسوی به رینگنیس دل می‌بندد و پس از فریب خانواده وی او را به نیت تعلیم و تربیت همراه خود به سفر می‌برد. هانری آنها را تعقیب می‌کند و نقشه‌های لزازس را برای به دام کشیدن رینگنیس نقش بر آب می‌کند. با آمدن شخصیت مسلمانی شجاع و زیبا به نام علی، در داستان تنوعی موج می‌زند. رینگنیس به علی دل می‌بندد و سرانجام با وی ازدواج می‌کند. به نظر می‌رسد شرر در طول رمان با قیاس بر شخصیت‌های مسلمان و مسیحی؛ سعی بر خوب و مثبت جلوه دادن مسلمانی چون علی دارد. شرر در جریان سفر قافله از انگلیس تا فرانسه هر شهر را همراه اطلاعات تاریخی توصیف می‌کند. برخی‌ها مقدس نازنین را اولین رمان جنایی اردو گفته‌اند.

شوقین ملکه (۱۹۰۴) که در شهر موصل بغداد جریان دارد، کارزاران جنگ‌های صلیبی را بیان می‌کند. شرر در این داستان نیز سعی بر خاطر نشان کردن ضعف‌های مسیحیان دارد. در فتح اندلس (۱۹۰۶) روند فتوحات مسلمانان در اسپانیا را در قالب رمان بازگو می‌کند. قیس و لنبی (۱۹۰۸ء) داستان عشقی مشهور قیس عرب، قیس بن صریح است. شرر در ارائه شخصیت قیس تبحر خود را نشان داده و آداب و رسوم، طریقه زندگی قبایل عرب را به خوبی به تصویر کشیده است. ماه و ملک (۱۹۰۸) بازگوکننده تاریخ منطقه فیروزکوه و فتوحات غیاث‌الدین (متوفی ۵۸۹) و شهاب‌الدین غوری (متوفی ۶۰۲) در شبه قاره هند است که با آمیختگی احساسی بیشتر از تاریخ به مسائل عاطفی می‌پردازد. زوال بغداد (۱۹۱۳) اوضاع سیاسی و اجتماعی بغداد، به ویژه درگیری‌های شیعه و سنی و اختلاف‌های بین فرقه‌های سنی را بیان می‌کند. نکته مهم در این رمان این است که شرر، خلیفه بغداد را که مردی سست‌رأی است سنی، و وزیر مدبر وی را شیعه می‌گوید. «هدف اصلی نوشتن این رمان، آن بود که در زمان شرر، اختلافات شیعه و سنی در لکنو در اوج خود بود و شرر برای اصلاح آن این قدم را برداشت تا مسلمان‌ها تعصبات مذهبی را کنار بگذارند» (فاطمی ۳۴۶).

رومۃ الکبری (۱۹۱۳) بر اساس افول فرهنگ و تمدن روم در قرن پنجم میلادی نگاشته شده است. شرر تصویری از اوضاع سیاسی و اجتماعی، مذهبی و فرهنگی را با جزئیات به قلم می‌کشد. به سبب پردازش خوب فضای تاریخی، این رمان مورد استقبال مردم قرار گرفت. مفتوح فاتح (۱۹۱۵)؛ به تصرفات مسلمان‌های عرب به فرانسه در قرن دوم هجری قمری می‌پردازد. مینا بازار (۱۹۲۵) در فضای هند در عصر حکومت مغول‌ها جریان دارد. جوای حق در سه قسمت (۱۹۱۷، ۱۹۱۹، ۱۹۲۱)؛ داستان تاریخی از زمان مبعوث شدن پیامبر اکرم تا فتح شام به دست ابوبکر است. زید و حلاوه ۱۸۹۶م؛ فلپانا ۱۹۱۰م؛ بابک خرمی ۱۹۱۷-۱۸؛ لعبت چین ۱۹۱۹؛ عزیزه مصر ۱۹۲۰م؛ طاهره ۱۹۲۳؛ نیکی کاپهل (میوه نیکی) ۱۹۲۴م از دیگر رمان‌های شررند.

شرر ده رمان با موضوع مسائل اجتماعی نوشته است: از جمله؛ دلچسپ (۱۸۸۴-۱۸۸۶) اوج و افول یک خانواده معزز در لکنوست که ارث پدری را بر باد می‌دهند و بعد سعی بر جبران آن دارند. دلکش (۱۸۸۴-۱۸۸۶) سه پسر به نام‌های اصغر، عباس و صفدر در کالج علی‌گر مشغول تحصیل‌اند و هر سه درگیر روابط عاطفی با محبوب خود می‌شوند.

بدر النساء کی مصیبت (مصیبت بدرالنساء) (۱۹۰۱) و آغا صادق کی شادی (ازدواج آغاصادق) (۱۹۰۸)؛ مخالفت با حجاب مرسوم مسلمان‌های آن زمان است.

اسرار دربار حرام (۱۹۱۴) مبتنی بر زندگی و اوضاع نواب رام پور، حامد علی نوشته شده است. شرر در اینجا در صدد افشای ناگفته‌های مرتبط با اوست. خوفناک محبت (۱۹۱۵) زندگی زنی کاملاً مطیع شوهرش بیان می‌شود، یوسف و نجمه (۱۹۰۵): غیب دان دلهن (عروس غیب‌گو): (۱۹۱۱)؛ طاهره (۱۹۲۳): از دیگر رمان‌های با مضمون اجتماعی شررند، رمان‌های اجتماعی شرر مانند رمان‌های تاریخی موفق نبودند و جریان‌های آن‌ها به دور از حقیقت و واقعیت‌اند.

موضوع‌های محوری در رمان‌های شرر

شرر در بیشتر رمان‌های خود نگاهی به تاریخ دارد، ولی این نگاه را در راستای هدف اصلاحی خود می‌پردازد. از این روی گاهی وی رخدادهای تاریخی را بنابر سلیقه خود تغییر می‌دهد و همچنین در جاهای متعدد مغرضانه علیه دین مسیحیت به مسائلی اشاره می‌کند که سقم آن بارز است. این کاستی سبب خرده‌گیری‌هایی از سوی منتقدان شده است. برای نمونه: «وی ملک العزیز را پسر بزرگ صلاح‌الدین گفته؛ درحالی‌که پسر بزرگ وی ملک العزیز ابوالفتح عثمان بود» (شرر، ۱۹۶۴، مقدمه منگلوری، ۴۹-۵۱). در ماه ملک آمده است که تاج‌الدین، حاکم هرات، به دست عاملان محمد غوری و علاء‌الدین قماچ حاکم بلخ کشته می‌شود؛ در حالی‌که «تاج‌الدین یلدز بعد از محمد غوری در قید حیات بوده است» (حسینی، پانویس ۱، ۳۱۴). فلورا در تاریخ واقعی مسیحی تندگرا و شدید مخالف اسلام است که به سبب سخن ناروایش به پیامبر به قتل می‌رسد، درحالی‌که فلورای داستان شرر مسلمان می‌شود (۶۰، ۶۱).

هیجان و ویژگی عام همگی رمان‌های شرر است که خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وی از عنصر هیجان برای ایجاد جوش و خروش، و بیداری مسلمان‌ها استفاده می‌کند و با بیان رویدادهای گذشته، خواننده را به ساختن آینده فرا می‌خواند. شرر به پدر تاریخ نوین در اردو ملقب شده است (صادق ۳۶۱).

شرر در رمان‌های اجتماعی، تصویر زنده‌ای از فرهنگ و تمدن لکنو، به ویژه زندگی زنان را ارائه می‌دهد. روابط عشقی از ویژگی‌های مهم رمان‌های شررند. معمولاً مرد مسلمان فریفته زن مسیحی یا هندو می‌شود و در انتها محبوب‌ها به اسلام می‌گروند.

شخصیت‌پردازی

نام شخصیت‌ها در رمان‌های شرر اسلامی است و طبع هندوستانی دارند. شخصیت‌های مثبت در رمان‌های وی سمبل زیبایی، عاشق‌پیشگی، ایمان، دلاوری، مقاومت و مبارزه آن‌ها در راه اسلام‌اند و الگویی برای هم‌وطن‌های مسلمان‌ش. آنجا که شرر از شخصیت‌های منفی جهت اصلاح استفاده می‌کند؛ تبحر و نقش اصلاح‌گر مدبرانه وی، مسلم می‌شود. بهترین نمونه آن شیخ علی وجودی شخصیت منفی و پررنگ فردوس برین است. در اصل شرر با این شخصیت پلیدی‌های فرقه باطنیه را نشان می‌دهد. شیخ وجودی از مشهورترین و ماندگارترین شخصیت‌های رمانی اردوست. ظاهرسازی وی به دین‌داری، عالم بودن و شکوهش قابل توجه است. شرر خاطر نشان می‌کند که این اشخاص به نام دین و با ظاهرسازی خود می‌توانند افراد سست ایمان ساده‌لوح را اغفال کنند. حسین شخصیت منفی نیست، ولی حقیر است و قدرت تفکر ندارد و در هر عملی افراطی است. عشق به امید وصال زمرد، شجاعت را در وی می‌رویاند. به ظاهر حسین قهرمان رمان است، ولی در مجموع شرر با نوع شخصیت‌پردازی در وی، او را بی‌اراده نشان می‌دهد.

شرر نیز خلاف قصه‌های پیشین، زنان را مطرح می‌کند و به آن‌ها تذکر می‌دهد که نقش آفرین‌اند. در فردوس برین، زمرد قهرمان زن داستان که قوی‌ترین شخصیت رمان‌های شرر محسوب می‌شود؛ برعکس حسین، سمبل استقلال و مدبر لایق است. شخصیت بلغان خاتون هم قابل توجه است. وی زنی است که هیبت و شجاعت مردانه دارد. زمانی که قتل عام فرقه باطنیه را مشاهده می‌کند، اسیر هیچ‌گونه احساسی نمی‌شود. گاهی تضاد هم در این شخصیت‌ها دیده می‌شود. «قهرمان‌های رمان‌های شرر جایی که دارای بعد ماورائی‌اند مثل فرشته ظهور می‌کنند و جایی که بعد دلدادگی را دارند انسان معمولی به نظر می‌رسند. تنها رمان فردوس برین از این ضعف مبراست» (شرر، ۱۹۹۵، مقدمه وقار عظیم، ۸). تضاد درون شخصیتی را از نوع دیگر می‌توان در رمان‌های شرر پی‌گیرد؛ برای نمونه، در مقدس نازنین زنی خود را مبدل به مرد می‌کند و به راحتی در بین مردها رفت و آمد و با آن‌ها گفتگو دارد. حتی زمانی که این زن باردار است تا وقت زایمانش کسی متوجه این حاملگی نمی‌شود. این مسائل رمان را از واقع‌گرایی دور می‌کند. همچنین حاکم مصر، احمد بن طولون است که سلطنت خود را تا شام (سوریه فعلی)، عراق و فلسطین گسترانده بود، ولی شرر وی را مانند یک شخصیت معمولی در داستان مطرح می‌کند. «شناخت شرر از شخصیت‌های تاریخی که از ایران، عربستان، اسپانیا و غیره انتخاب کرده است؛ بسیار اندک بوده است» (سرمست ۱۳۸).

ویژگی‌های فنی

شرر به زیبایی وصف صحنه‌ها و حوادث توجهی خاص دارد. در توصیف طبیعت، میدان جنگ، رفتار و سکنات شخصیت‌ها و دلآوری‌ها، با جزئیات داستان را دنبال می‌کند. بیان صحنه‌ای از طبیعت میدان جنگ در «ملک العزیز ورجنا»:

«نورآفتاب روی عمامه‌های مسلمان‌ها و کلاه‌های جنگی مسیحی‌ها می‌درخشید. نسیم پاییز با وزش ملایم خود، موجی به آن درخشش می‌داد؛ و ریش‌های بلند و دامن عبا‌های مسلمان‌ها را به طرف غرب می‌برد. کمی دورتر همین وزش با آب خلیج عک‌ه برخورد داشت و با تکان‌های خود در آن باعث تلاطم می‌شد... نیزه‌های براق و شمشیرهای براق به طرف شمال و جنوب میدان جنگ را مرزبندی می‌کند» (شرر، ۱۹۶۴، ۱۷۲).

شرر در توصیف ویژگی‌های عرب‌های جاهل صدر اسلام تبحر دارد. اکثر رمان‌های وی نیز در فضای عربی جریان دارد. از همین رو، توصیف ریگستان و طرز زندگی خیمه‌نشین‌های ریگستان در آن‌ها به وفور دیده می‌شود. اگرچه گاهی صحنه‌های رمان‌هایش با واقعیت تطابق ندارند که علت آن هم عدم مطالعه و تحقیق دقیق وی در زمینه آداب و رسوم و تاریخ سرزمین‌های دیگر بوده‌است. در «شوقین ملکه» منظره اطراف قلعه موصل را ارائه می‌دهد و از سرمای زمستان و خنکی شب‌ها می‌گوید، درحالی‌که در اکتبر در آنجا سرما وجود ندارد. «شرر این توانایی را داشت که هدف و فن را با هم پیش برد. وی با دیدن افول ملت مسلمان عصر خود، با نوشتن رمان‌های خود سعی داشت مسلمان‌ها را با رجوع آن‌ها به گذشته، تکرار خاطرات عظیم گذشته، در آن‌ها جوش و خروش پدید آورد و آن‌ها را برای اصلاح گذشته و حال خود به پیشرفت سوق دهد» (فاطمی ۲۲۷، ۳۴۲).

زبان و مکالمه‌نگاری در رمان‌های شرر قوی است. زبان هر قشر، هر نوع شخصیت، هر نوع پیشه و طرز گفتگوی علمای مذهبی و واژه‌ها و محل استفاده از آن‌ها را به خوبی می‌شناسد. در صحنه‌های پر وحشت به کمک واژه‌هایی با بار ترس و در صحنه‌هایی رمانتیک با استفاده از واژه‌های نرم و لطیف خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «شرر نیز ادبیات نثر اردو را با زبانی جدید آشنا کرد. زبان وی هنوز هم بر ادبیات نثر اردو حاکم است.» (سکسینه، ۳۴۰). رمان‌های اجتماعی شرر با زبان فصیح لکنو نوشته شده‌اند. وی اولین فردی است که فن رمان‌نویسی را در اردو اجرا کرد (وقار عظیم ۷۵) و به تقلید از وی رمان‌های تاریخی بسیار در زبان اردو نوشته شده‌اند مانند: جعفر و عباسه از حکیم محمدعلی خان طیب، نیل کا سانپ (مارنیل)، از خضرخان دیول دیوی؛ پری‌خانه از موهن لال فهم.

رتن نات سرشار

پندت رتن نات متخلص به سرشار در خاندان متشخص کشمیری در سال ۱۸۴۶ یا ۱۸۴۷ به دنیا آمد. سرشار زبان‌های اردو، عربی، فارسی و انگلیسی را فراگرفت و بعدها به تدریس مشغول شد. مقاله‌های وی در «مراسله کشمیری» و «اوده پنج» به چاپ می‌رسید. در سال ۱۸۷۹م. شمس الضحی وی در موضوع زمین‌شناسی که بهره‌گیری از تألیفات انگلیسی‌ها بود، به زبان اردو چاپ شد. در سال ۱۸۸۷م. سردبیر «اوده اخبار» شد. فسانه آزاد وی در همین نشریه به شکل داستان دنباله‌دار از سال ۱۸۷۸-۱۸۷۹ به چاپ می‌رسید. بعدها در ۴ جلد از سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۵-۱۸۸۶ به چاپ رسید و از آن استقبال خوبی شد. در سال ۱۹۰۳م. در حیدرآباد از دنیا رفت (نقوی ۵۴-۶۱؛ اعجاز حسین ۳۷۸-۳۸۱). از او چندین ترجمه و تألیفات مهم از انگلیسی به اردو مانده است؛ از جمله: اعمال نامه روس (۱۸۸۸/کنو)؛ ترجمه Resia > روسیه< از دونل والس میکنز؛ ترجمه نامه‌های لارد دفرن Letter from Highlatitude (۱۸۸۸/کنو). وی همچنین از رمان‌پردازهای انگلیسی، مانند چارلز دیکنز Charles Dickense و آندره تیکره Andre Thikre تأثیر گرفته است. (نقوی ۶۱-۶۶، ۲۸۸).

معرفی رمان‌های سرشار

افزون بر فسانه آزاد، جام سرشار (فسانه جدید) (۱۸۸۶)؛ سیرکھسار (۱۸۹۰/نول کشور)، کامنی (۱۸۹۳/کنو) از دیگر رمان‌های مشهور سرشار و کرم دهم (کرم دم)، بچه‌ی دلهن (عروس نابود شده)، طوفان بے تمیزی (طوفان بی ملاحظه)، پی کھان (آواز یک نوع پرنده) و هشو از دیگر رمان‌های وی‌اند.

زمان سرشار مصادف با اوج داستان‌گویی و افول جامعه و تمدن کنو توسط انگلیسی‌هاست. سرشار که از پیشروان رمان‌نویسی اردو است، جامعه و زندگی کنو را در ابعاد مختلف، از بازار و عوام تا دربار ترسیم کرده است. رمان فسانه آزاد بهترین گواه تبحر سرشار در قصه‌گویی است. آزاد شخصیت اصلی قصه است. وی جوان آراسته نظامی، ثروتمند و تحصیل کرده، مسلط بر چند زبان و شاعر زیباگراست. آزاد برای به جا آوردن شرایط حسن آرا برای ازدواج در لشکر اسلامی ترکیه با روس‌ها می‌جنگد و در آخر پیروز می‌شود، وی درگیر رویدادهایی می‌شود که داستان‌های به هم پیوسته و شخصیت‌های متفاوت، بازتاب‌گر آنند. صادق ساختار آن را برگرفته از دن کیشوت Don Quixote اثر سروانتس Cervantes (۱۶۰۵) گفته است (۴۱۹).

جام سرشار حکایت سه حاکم عیاش و لایالی است که زندگی آن‌ها محدود به حرم‌سرا و شرب‌خمر است و نسبت به دغدغه و نیازهای روز جامعه خود ناآگاه. سرشار همچنین در این رمان تصویری از ناهنجاری‌های لکنو بعد از سال ۱۸۵۷ را ترسیم می‌کند. سیرکھسار: در دو جلد به چاپ رسید. پیش از آن به نام «فسانۀ لطیف» در «اوده اخبار» چاپ می‌شد. نواب عسکری در مجلسی شیفته زنی به نام قمرن می‌شود و بعد از معاشقه‌هایی که با وی دارد، توبه کرده و نزد خانواده‌اش باز می‌گردد. سیرکھسار بیانگر عشق‌های هوس‌آلود و بی‌فرجام در فضای لکنو است. کامنی حکایت زنی است به همین نام که با ازدواج با زنبیر زندگی سرشار از عشق را سپری می‌کند. زنبیر به میدان جنگ می‌رود. به دنبال شنیدن خبر فوت وی، کامنی زندگی خود را با مشکلات تنهایی و محیط پیرامونش سپری می‌کند ولی بعد زنبیر بازمی‌گردد.

موضوع‌های محوری در رمان‌های سرشار

سرشار بر فرهنگ و آداب و رسوم لکنو به خوبی واقف است. او «اولین کسی است که تصویری صحیح و زنده از جامعه لکنو آن زمان را با جزئیات رقم زده است. با وجود هندو بودن اوضاع داخلی خانواده‌های مسلمان و آداب و رسومشان و گفتگوی زنان مسلمان و وضعیت حرم‌سراها را واضح شرح می‌دهد» (سکسینه ۱۷).

سرشار جایی که رسوم و یا صحنه‌ای را مغایر با فضای روز می‌داند؛ برای اصلاح به جای نصیحت و یا ستیزه‌جویی مسالمت‌آمیز و از طنز استفاده می‌کند. به همین دلیل اشتیاق خواننده برای دنبال کردن داستان در طول خواندن متن وجود دارد. در مضمون اصلاحی‌اش، هدفمندی سنجیده‌ای درک می‌شود. جایی که قصد نهی مردم از نوشیدن شراب را دارد، شاهکارش به اوج می‌رسد: «اگرچه سرشار در این رمان از عیاشی حاکم‌ها و زنان رقاچه سخن می‌گوید، ولی بدون این که لهجه‌اش رنگ نصیحت داشته باشد و بدون این که سخنی از آسیب‌های شراب نوشی به میان آورد؛ با مهارت و زیرکی شراب را به عنوان «ام الخبائث» معرفی می‌کند» (یوسف سرمست ۴۱).

شخصیت‌پردازی

تنوع شخصیت و انتخاب آن‌ها از سطوح مختلف جامعه، از ویژگی‌های منحصر به فرد فسانۀ آزاد است. سرشار زبان شخصیت‌های رمان خود را بر مبنای فرهنگ و تحصیلات آن‌ها

قرار می‌دهد که این باعث غنی‌تر شدن اثر می‌شود. شخصیت خواجه بدیع‌الزمان معروف به خواجه بدیعاً یا خوجی از شخصیت‌های ماندگار در ادبیات داستانی اردوست. وی تلخکی عیاش، نادان و لاف‌زن است، در ضمن به آزاد وفادار. وی به دل خواننده می‌نشیند و حرف‌هایش به صورت ضرب‌المثل زبان‌زد مردم می‌شود.

قهرمان‌های ساختگی سرشار به علت اغراق در شخصیت‌شان، تقریباً نزدیک به ویژگی‌ها قهرمان‌های داستان‌های افسانه‌ای هستند. با این تفاوت که سرشار افزون بر بیان ویژگی‌های ظاهری، توانمندی و روان آن‌ها را به خوبی تجزیه‌نگاری می‌کند. شخصیت‌های زن در رمان‌های سرشار از حسن زیاد برخوردارند و اکثر آن‌ها متعلق به قشر پایین جامعه هستند.

ویژگی‌های فنی

البته اکثر منتقدان کاستی‌های فنی آن را یادآوری شده و آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند. برخی‌ها بلند بودن قصه و عدم نقطه آغاز و پایان و تأثیر آن از قالب داستان را، از ضعف‌های فسانه آزاد برشمرده‌اند. آنچه مسلم است فسانه آزاد فاقد عنصر فراطبیعی است. محور اصلی آن زندگی است از این‌رو نقطه عطف داستان و رمان است و به سبب دو ویژگی گسترده قصه و واقع‌گرایی رمان آن را داستانی ناول (رمان داستانی) می‌گویند (جالبی، همان، ۱۳۳۸). برخی‌ها مانند وقار عظیم به ناچار به آن عنوان رمان داده‌اند: «بزرگترین ضعف فسانه آزاد این است که دیدگاه واضح مصنف از زندگی، احساس و موضوع وی از نیکی و خوبی شفاف نیست؛ در نتیجه بین خواننده و نویسنده تطابق ذهنی و احساسی به وجود نمی‌آید. به علت کاستی‌های موجود در فسانه آزاد، قبول کردن آن به عنوان رمان، دشوار به نظر می‌رسد. با وجود این به آن رمان گفته می‌شود و در تاریخ رمان و در ارتقاء داستان جایگاه خاص خود را دارد» (۶۸).

صرف نظر از نثر مسجع و استفاده از واژه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار عربی و گاه‌ها فارسی زبان فسانه آزاد، به دور از پیچیدگی و دارای مطایبه است. سرشار از استفاده حرف‌های رکیک و نارسا ابایی ندارد و دلیل آن را اقتضای زبان آن زمان لکنو می‌دانند. وی کوشید برای هر دسته از شخصیت‌های رمانش لهجه و اصطلاحات خاص آن‌ها را به کار برد. سرشار در اکثر رمان‌هایش به ویژه در توصیف صحنه یا منظره از عناصر شعری استفاده کرده‌است.

نتیجه

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، ادیبان با ترجمه آثار ادبی اروپا با قالب و اسلوب روز

رمان آشنا می‌شوند و با انگیزه اصلاح مردم، به ویژه مسلمان‌های شبه قاره هند، رمان‌نویسی در زبان اردو را پایه‌گذاری می‌کنند. با وجود الگوبرداری از رمان‌های غربی، محتوای داستان‌ها از بطن جامعه و دغدغه‌های فکری و اجتماعی مردم سرزمین حکایت دارند. فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی به طرق مختلف به موازات قصه‌هایشان از اهمیت خاصی برخوردار است. اگرچه با اندکی تفاوت زمانی، مولوی نذیراحمد در این حیطه پیشروست، ولی رمان‌های وی و شرر و سرشار این قالب ادبی را کامل می‌کنند. رمان‌های نذیراحمد از نوع تمثیلی، رمان‌های شرر، تاریخی و رمان‌های سرشار از نوع اجتماعی و داستانی است. مولوی نذیراحمد اولین بار هدفمندی را در ادبیات اردو اجرا کرد، وی در آموزش دین و اخلاق آن قدر سخن گفته است که رمان‌های وی از نوع ادبیات تعلیمی‌اند، همچنین وی اولین بار برای آموزش زن‌ها اقدام به تألیف می‌کند. بخش عمده خلاقیت‌های ادبی در قالب رمان تاریخی توسط شرر تبلور یافت. رمان‌های وی با موضوع‌هایی برگرفته از تاریخ اسلام نوشته شد، زیرا با انگیزه اجتماعی کشف مجدد تاریخ گذشته، برای بازسازی جامعه همخوانی داشت. باورهای دین‌گرایانه‌اش به ترسیم قهرمانانی پرداخته است که وی با یادآوری کارنامه درخشان مسلمان‌ها، آن‌ها را به تفکر در دلایل افولشان سوق می‌داد. در رمان‌های اجتماعی شرر، زنان نقش به‌سزایی دارند. وی آن‌ها را همراه تمام آداب و فرهنگشان به قلم می‌کشد. از طرفی سرشار ویژگی‌های رمان را در قصه داستان‌گونه خود می‌پروراند و با به‌کارگیری فن و بیان قوی در ریزپردازی راه را برای رمان‌پردازهای بعد از خود هموار می‌سازد و بدین سان زبان اردو از قبل هویت خود را مبنی بر توانایی بازگویی نوع دیگر ادبی به اثبات می‌رساند. اگرچه از دید منتقدان رمان‌های اولیه ضعیف‌اند و در آن‌ها تمثیل و نکات اخلاقی به چشم می‌خورد و شخصیت‌ها در فضای بسته تنفس می‌کنند، «اما نذیراحمد و سرشار شخصیت‌هایی را خلق کرده‌اند که از محیط کتاب‌ها فراتر رفته و در ذهن ما نقش بسته‌اند. دلیل آن هم مطالعه عمیق آنها از زندگی عصر خود است.» (قمر رئیس ۲۳۴).

Bibliography

Abdolsalam. (1973). *Urdu novel bisveen sadi* (Urdu novel in 20th centure). Kirachi: Urdu academy.

Anis Nagi. (1988). *Dipti Nazir Ahmad ki navolnigari* (The novels of dipti Nazir ahmad). Lahore: Firooz sanz.

Bukhari, S. (1925), *Urdu main novelnigari* (The novel in Urdu).

- Fatmi, A. A. (2007). *Abdol halim sharer be haisiat novelnigar* (Abdol halim sharer as novelist). New Delhi: Qomi council barae forugh Urdu zaban.
- Hosaini, A. A. (1964). *Novel ki tarikh o tanqid* (History and review of novel). Lahore: Lahore academy.
- Ijaz Hosain. (1965). *Mokhtasar tarikhe adabe Urdu* (summary from history of Urdu literatue). Lukhnow: Idare forugh Urdu.
- Jalbi, J. (2012). *Tarikhe adabe Urdu* (History and literature of Urdu). Lahore: Majlise taraqi adab.
- Muhammad Shakir. (2003). *Urdu main tarikhi novelnigari, Aazadi se qabl our azadi ke baad* (Urdu in historical novel, before and after freedom). Bihar: kitabistan.
- Muhammad Tanha Yahya. (1928). *Seyrol mosanefin* (Garlic of writers). Delhi: Maktabeye jame miliyeh islamiyeh.
- Naqvi, I. (2006). *Pandit rattan nath sarshar be haisiyat novolnigar* (Pandit Ratan Nath Sarshar as novelist). Lahore: Maqrbi Pakistan Urdu academy.
- Nazir Ahmad. (1972). *Ibnol vaqt*. Lahore: technical Publi shars.
- Priya Tabita. (2006). *Urdu novel manfi kirdar aghaz ta qiyam paksitan* (Nagative characters in Urdu novel, from begining till uprising of Pakistan), Lahore: Khoram box.
- Qamar rais. (2004). *Urdu main bisvin sadi ka afsanvi adab* (Fiction of 20th century in Urdu). Delhi: kitabi dunya
- Sadiqi, A. (2003). "Novel fani noqte nazar se" (Technical point about novel). in *Urdu adab ki fani tarikh* (Technical date of Urdu literature). edit by Farman Fatahpuri. Lahore: Alvaqar pobli kishanz.
- Sadiq Muhammad. (1984). *A history of Urdu Literature*. Delhi: Oxford University.
- Saksena, R. (1990). *A history of Urdu literature*. New Delhi: Asian educational services.
- Sayed Abdollah. (1998). *Sir sayed Ahmad khan our us ke namvar rofgha* (Sir sayed and his famous comrades). Lahore: Sang mil pabli kishenz.
- Sharar luchnowi, A. H. (1995). *Firdose barin* (Sublime paradise). Edit by Sayed Waqa Azim, Lahore: Majlis taraqi adab.
- . (1964). *Malikol azizo varjeena*. Lahore: Majlis taraqi adab.
- Waqar Azim. (2007). *Dastan se afane tak* (From legend till short story). Lahore: Aleaqar pobli kishanz.
- Yosuf Sarmast. (2000). *Biswin sadi main Urdu novel* (Urdu novel in 20century). New Delhi: Taraqi Urdu bevro.